

سوء استفاده

(نشئه) می‌باشد. در اکثر موارد، ادامه سوء استفاده از یک ماده، منجر به وابستگی به آن ماده شده و در صورت قطع مصرف باعث بروز علائم محرومیت (drug withdrawal) یا drug abstinence) می‌شود و فرد وابسته ناچار از ادامه ایبوز می‌گردد. بی‌مناسبت نخواهد بود که صرفاً محض یادآوری در این نوشتار نگاهی به لیست موادی بیاندازیم که مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. داروهای تضعف سیستم عصبی

کلمه abuse یا misuse برای صاحبان حرفه‌های پزشکی تداعی کننده سوء استفاده از مواد موثر بر روح و روان یا فکر و رفتار (psychoactive) می‌باشد و همه همکاران با دیدن یا شنیدن کلمه ایبوز بیشتر بیاد Drug abuse یا سوء استفاده از دارو می‌افتند که به معنی استفاده از یک داروی غیر مجاز (illegal) یا مصرف یک داروی مجاز به منظور غیرپزشکی مثل استفاده از مورفین برای ایجاد یوفوریا

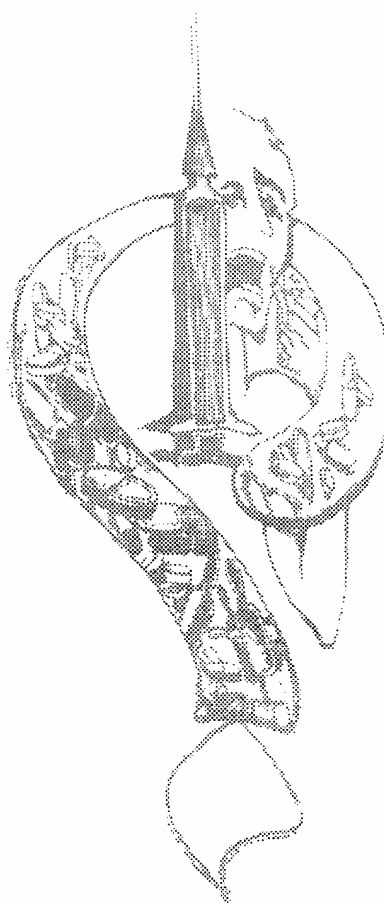
مرکزی (الکل، بنزودیازپین‌ها، باربیتوراتها، هپینوسداتیوهای غیر باربیتورات مثل گلویتیماید، کلرال هیدراته و متاکوالون)، محرکین روان (آمفتامین و ترکیبات وابسته به آن، کوکائین، متیل فنیدات)، اویپوئیدها (هروئین، مورفین، متادون، کدئین، هیدرومورفون، اوکسی‌کودون، مپریدین، پنتازوسین)، تنباکو (نیکوٹین و انواع دخانیات)، کاتابینوئیدها (ماری‌جوانا، حشیش، تتراهیدروکانابینول)، توهم‌زاها (LSD، سیلوسیبین، دی‌متیل تریپتامین، مسکالین)، آریل‌سایکلوهاگزیل آمین‌ها (فن‌سایکلیدین، کتامین)، کافئین (قهوه و چایی)، مواد استنشاقی هیدروکربنه (آلیفاتیک، آروماتیک و هیدروکربنهای هالوژندار) و مواد دیگر مثل گازهای بیهوش‌کننده (اکسید نیترو، اتر، وازودیلاتورها مثل آمیل و بوتیل‌نیترات) از جمله موادی هستند که ابیوز می‌شوند. هدف از ردیف کردن اسامی مختلف موادی که توسط انسان ابیوز می‌شوند، بحث درباره خواص هر کدام از این مواد یا بررسی جنبه‌های مختلف علمی، اجتماعی و اقتصادی ابیوز دارویی و یا راههای مبارزه با آن نمی‌باشد بلکه نگاهی گذرا، اشاره‌وار و مقایسه‌ای به ابعاد دیگر ابیوز در اجتماع و تعمیم این کلمه به ابعاد غیر از بُعد دارویی است. انسان ممکن است از هر چیزی که در اختیار او قرار دارد سوء استفاده نماید به عنوان مثال بوق وسایل نقلیه که در اختیار رانندگان قرار گرفته تا در موارد نیاز از آن استفاده منطقی نمایند متأسفانه در اکثر موارد مورد ابیوز قرار گرفته و ایجاد آلودگی صوتی شهری کرده و نهایتاً عوارض ویژه خود مثل آزدگی روح و روان و شنوایی افراد جامعه را

بهمراه دارد. هزاران مورد مثال در این زمینه را می‌توان ذکر نمود که متأسفانه ما با سوء استفاده از مواد یا اشیاء مختلف، عواقب سوء مختلف را متوجه خود یا اجتماع خود می‌کنیم. ابیوز را می‌توان به معنای دیگری نیز بکار گرفت. اگر یک خانه با روشن شدن یک لامپ با اندازه کافی و قابل استفاده نور داشته باشد ولی ما با روشن کردن ده لامپ راضی‌تر بنظر برسیم در واقع نوعی ابیوز یا بکارگیری غیرضروری داشته‌ایم که ممکن است ظاهراً ضرری نداشته باشد ولی در سطح کلان می‌تواند عوارض اجتماعی و اقتصادی زیادی را برای جامعه داشته باشد. ابیوز مهم دیگری که قابل ذکر و تفکر است ابیوز قدرت است. یک مدیر، وقتی برای اداره یک سیستم انتخاب می‌شود باید توانایی و دانش اداره آن سیستم را داشته باشد و در ضمن از جنبه‌های مختلف فرد متعهد و سالمی بوده باشد وگرنه همانطوریکه تعدد مواد شیمیایی مورد ابیوز در دسترس، برای یک فرد مستعد سوء استفاده، خطرناک‌تر است در هر مدیریتی نیز موارد زیادی وجود دارند که اگر در اختیار مدیر بدون صلاحیت قرار گیرند می‌توانند ابیوز شوند که ابیوز قدرت نیز در هر سطح از مدیریت می‌تواند عواقب سوء مختلف اجتماعی و اقتصادی داشته باشد و باعث عدم پیشرفت کارها و در نهایت عدم پویایی سیستم شود. همانطوریکه یک مدیر توانا و دلسوز می‌تواند با انتخاب مهره‌های کوچک‌تر مجهز به دانش لازم برای اعمال مدیریت صحیح، براحتی قادر به چرخاندن در جهت مثبت چرخ‌های موسسه تحت پوشش خود بوده و سیستم را از هر جهت بصورت دلخواه پیش می‌برد، یک مدیر با عدم

ابیوز تلقی می‌شود.

مدیریتی که قادر به اداره بهینه سیستم به معنی واقعی آن نباشد در افراد تابعه خود ایجاد دلسردی کرده و از پیشرفت سیستم کاسته می‌شود. این نوع مدیریت برای حفظ پُست ناچار به گماردن مهره‌هایی در جهت حفظ خود و اداره سیستم به روش خودکامگی می‌شود که آن نیز در دراز مدت عواقب خاص خود را در افراد سیستم و نهایتاً خود سیستم خواهد گذاشت و چون تغییر در میزان خودکامگی، عوارض قطع خودکامگی را دقیقاً شبیه علایم محرومیت ناشی از قطع مصرف داروها، نشان می‌دهد، به این جهت مدیریت، ناچار از ادامه ابیوز قدرت و تشدید ابیوز می‌گردد. بنابراین چاره ادامه نیافتن ابیوز در یک سیستم، داشتن کنترل مداوم و آگاهانه بر عملکرد مدیران، و تعویض مهره‌ها در صورت مشاهده ابیوز در سیستم می‌باشد. ابیوز در آموزش عالی ما، به معنی عدم وجود کنترل کیفی و کمی بر امور آموزش و ادامه برنامه‌های آموزشی نامطلوب بارث رسیده و نبودن یک برنامه مدون و نبود پشتیبانی از پژوهش، یک واقعیت است. می‌توان گفت که ادامه این ابیوز پسان ادامه یک بی‌راهه است که پایانش نرسیدن به مقصود (ارتقاء بهره‌وری در سطح کلان جامعه) می‌باشد. همانطوریکه در بسیاری از موارد، در اجتماع ما نیاز به قانون‌مند شدن و قانون‌گرایی احساس می‌شود، اکنون بیش از هر زمان دیگر، سیستم آموزش عالی ما نیز بطور جدی نیاز به قانون‌گرایی دارد و ادامه نیافتن وضع فعلی آموزش و پژوهش از هر لحاظ به نفع کشورمان نمی‌باشد.

دکتر مرتضی ثمینی



توانایی و کارایی و غیردلسوز، بالطبع قادر به چرخاندن در جهت مثبت چرخ‌های موسسه تحت پوشش خود نخواهد بود و برای تحمیل خود به سیستم عمدتاً ناچار از ابیوز از قدرت خود خواهد شد. ابیوز همیشه به معنی سوء استفاده از امکانات سیستم به نفع خود یا نزدیکان خود نیست بلکه نبود مدیریت صحیح و چرخیدن امور جاری سیستم در جهت غیر صحیح خود یک نوع